

## بررسی و تحلیل موانع تحقق اهداف فرهنگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دوره حکومتشان

عزت‌الله مولایی‌نیا<sup>۱</sup>، مسعود بابایی بی‌ری<sup>۲</sup>

### چکیده

امیرالمؤمنین (علیه السلام) زمام حکومت را زمانی به دست گرفت که به دلیل بروز بدعت و انحراف در رفتارهای دینی، سیاسی و اجتماعی، بازگردانیدن مردم به فرهنگ دولت نبوی کاری دشوار و حتی ناممکن می‌نمود. پژوهش حاضر باهدف یافتن پاسخی برای چیستی و چرایی عدم توفیق در تحقق برنامه‌های اصلاحی حکومت علوی، به روش تحلیلی - اسنادی از نوع تاریخی و عقلی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که پیامدهای ناگوار قتل خلیفه سوم هرگونه اتحاد و وحدت اجتماعی - سیاسی را دشوار کرده بود و هواخواهان عثمانی، عاقبت طلبان حجاز، سرسپردگان دودمان اموی و کوفیان متلّون، با اصول و مرام حکومت علوی که از قرآن و سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برمی‌خواست، سرسازش نداشتند. این دو عامل، هیچ زمینه‌ای را برای پیاده کردن اهداف والای فرهنگی و عدالت علوی باقی نگذاشته بود. براین اساس، بر اثر تشّت آراء، مخالفت با دولت نوپای علوی، ایجاد سه جنگ ناخواسته ناکثین، قاسطین، مارقین در آن دوره، تهی شدن اردوگاه علوی از یاران باوفایی همچون مالک و عمار، کشیده شدن گروهی از خواص به دلیل حب دنیا به اردوگاه دشمن و سرانجام، شهادت جانگداز امام علی (علیه السلام)، تحقق برنامه‌های اصلاحی آن امام با شکست مواجه شد.

**واژگان کلیدی:** اهداف فرهنگی امام علی (علیه السلام)، موانع تحقق اهداف فرهنگی

امام علی (علیه السلام)، اهداف حکومت علوی، دوره حکومت علوی.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۹  
۱. دانشیار گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mogaciniya@gmail.com

۲. طلبه سطح سه حوزه علمیه، قم، ایران / دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه پیام نور، ایران.

Email: mbp212323@yahoo.com

## ۱. مقدمه

عصر جاهلی پیش از اسلام در تمام عرصه‌های فرهنگی با انحطاط مواجه بوده است. از مهمترین دستاوردهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تحول فرهنگ جاهلی به فرهنگ اسلامی بود. امام علی علیه السلام از سوی خدای متعال به جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله تعیین شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایشان را به این سمت منصوب کرده بود. انتظار می‌رفت که پس از وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام رهبری مسلمانان را برعهده گرفته و فرهنگ اسلامی را در راستای اهداف نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله توسعه بخشیده و کشتی هدایت اسلام را در مسیر درست هدایت کند. پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله مسیر امت اسلامی توسط برخی افراد به بیراهه کشیده شد و منصب خلافت به دست کسانی قرار گرفت که راه دشمنی با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را برگزیدند و تلاش کردند حاکمیت خود را بر خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و در رأس آنها امام علی علیه السلام تحمیل کنند. امیرمؤمنان علیه السلام برای پرهیز از تفرقه و نجات اسلام از خطر نابودی که از سوی مرتدان و دشمنان اسلام به وجود آمده بود سکوت پیشه کرد و به مدت ۲۵ سال همچون خار در چشم و استخوان در گلو صبر و بردباری نشان داد (سیدرضی، ۱۳۸۷). در این مدت افرادی بر مسند خلافت تکیه زدند که تعلقات آنها به فرهنگ جاهلی، بیش از تعلقات آنها به فرهنگ اسلام بود. از همین رو، بدعت‌ها، تحریف‌ها و انحراف‌های بسیاری در دین پدید آمد و جامعه اسلامی به سمت جامعه جاهلی سوق داده شد. جامعه‌ای که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله تمام افراد در آن از نظر حقوق اجتماعی و فردی مانند دانه‌های شانه برابر بودند، پس از ایشان به ویژه در دوره عثمان (۳۵-۲۳ ق) به جامعه طبقاتی تبدیل و شکاف طبقاتی در آن به دلیل فساد در بیت‌المال و صف‌ناپذیر شدن، معیارهای انسانیت تغییر کرد و آموزه‌های دینی براساس امیال و اغراض شخصی به بدعت کشیده شد. (علامه امینی، بی تا، ۷/-؛ علامه امینی، بی تا، ۹/۳۵۴-۳۵۶؛ علامه امینی، بی تا، ۸/-) وقتی پس از ۲۵ سال، حکومت اسلامی به دست صاحب اصلی آن یعنی، امام علی علیه السلام سپرده شد تحریف‌ها و بدعت‌های ایجاد شده در دین از سویی بسیار وسیع بود و از سوی دیگر در میان مردم ریشه دوانده بود. این امر مبارزه با کجی‌ها را بسیار دشوار می‌کرد، اما با این وجود، امام علی علیه السلام حرکت اصلاحی خود را در چارچوب سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله آغاز کرد و در صدد احیای سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تحقق اهداف فرهنگی ایشان برآمد.



گذشت زمان نشان داد که تحقق اهداف فرهنگی امام علی علیه السلام دشوارتر از تحول فرهنگ جاهلی به فرهنگ اسلامی توسط نبی اکرم صلی الله علیه و آله بود؛ زیرا برای یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله فرهنگ جاهلی، فرهنگی منحط و شرک‌آلود تلقی می‌شد که باید برای تحول آن به فرهنگ دینی مبارزه می‌کردند، اما بدعت‌ها و انحراف‌هایی که در دوره خلفای پیش از امام علی علیه السلام در جامعه اسلامی پدید آمده بود در پوشش دین و آموزه‌های اسلامی به مردم تحمیل شده و ریشه دینی یافته بود. به همین دلیل، مسلمانان نه تنها حاضر به مبارزه با این بدعت‌ها نبودند، بلکه حرکت اصلاحی امیرمؤمنان علیه السلام را نوعی ستیزه با دین می‌دانستند. این امر موجب عدم تحقق اهداف فرهنگی امام علی علیه السلام و شکست حرکت اصلاحی آن حضرت شد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی- تاریخی، موانع تحقق اهداف فرهنگی امام علیه السلام را بررسی نموده است.

## ۲. پیشینه تحقیق

پژوهش حاضر اگرچه به صورت این‌همانی مورد نظر پژوهشگران نبوده، اما عناوین مرتبط با این بحث در قالب برخی پایان‌نامه‌ها و مقاله‌ها ارائه شده است. کارهای انجام شده هرچند برای مخاطبان سودمند و برای این پژوهش قابل بهره‌گیری بود، اما هیچ‌کدام هدف مورد نظر در این مقاله را برآورده نکرد. برخی پژوهش‌های انجام شده در موضوع پژوهش حاضر عبارتند از: داداشی (۱۳۹۱ ه.ش) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که: «امام علی علیه السلام براساس نصوص قرآنی، سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و به شیوه مکتبی رفتار کرد و همین امر برخی موانع جدید را پدید آورد. همچنین حضرت علی علیه السلام برای از بین بردن موانع پیشین، تحول اساسی و انقلاب بزرگی ایجاد کرد و با وجود عدم پایداری مردم، بایسته این بود که آنها از امام علیه السلام اطاعت می‌کردند که نکردند. آنچه در حکومت امام علیه السلام رخ داد برای زمان حاضر نیز الهام‌بخش و عبرت‌آموز است». ابراهیمی کوشالی (۱۳۸۱ ه.ش) در چکیده پایان‌نامه خود بیان کرده است: «در این پایان‌نامه، با توجه به اهمیت موضوع آسیب‌شناسی یک جامعه تحت حاکمیت نظام اسلامی از کلام مولای متقیان امام علی علیه السلام بهره‌گیری شد و هشدارها و منهیات آن حضرت در حوزه‌های مختلف جمع‌آوری و تحلیل شده است. بسیاری از بیانات امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه در





دوران حکومت‌داری حضرت بوده و از این باب، هشدارهای اعتقادی، فردی، اجتماعی، اخلاقی و مدیریتی آن حضرت را می‌توان در راستای تلاش برای تحقق حکومت مطلوب اسلامی ارزیابی کرد». همچنین ورشوچیان و پوراسماعیل (۱۳۹۴ ه.ش) در پژوهش خود به دو دسته موانع فرهنگی در دوران امام علی علیه السلام اشاره کرده‌اند: موانعی که در دوره خلفای پیش از امام علی علیه السلام به وجود آمد و موجب پدید آمدن بدعت‌ها شد مانند کنار گذاشتن امام علی علیه السلام از خلافت، تضعیف حقانیت ایشان، هم‌شان دانستن آن حضرت با ناشایستگان، ایجاد بدعت‌ها و... و موانعی که ریشه در دوران قبل از آنها داشته و در زمان حکومت علوی به بار نشسته است.

مهرنیا (۱۳۹۴ ه.ش) در پژوهشی با عنوان آسیب‌شناسی زمان حضرت علی علیه السلام و موانع تحقق حکومت دینی با تأکید بر نهج‌البلاغه، از جمله موانع تحقق حکومت امام علی علیه السلام را دنیاطلبی و بی‌بصیرتی یاران امام علیه السلام، بی‌توجهی آنها به اوامر الهی و توصیه‌های حاکم زمانه معرفی نموده است. امام جمعه زاده (۱۳۸۱ ه.ش) نیز در پژوهش خود آسیب‌هایی همچون تفرقه و گسستگی اجتماعی، تجمل‌گرایی، تملق و چاپلوسی و فداکردن حق به پای مصلحت را در دوران امام علی علیه السلام مطرح نموده است. احمدی (۱۳۹۱ ه.ش) در پژوهش خود به دو دسته موانع اشاره کرده است که عبارتند از: موانع مربوط حاکم و حکومت (مانند عدم تحمل شنیدن حرف حق، انحصارطلبی و امتیازجویی، غفلت از رسیدگی به امور مهم، پیش‌داوری گمان‌مندانه و گوناگونی هواهای حاکم) و موانع مربوط به مردم (مانند گریز از حق و عدالت، اختلاف و پراکندگی، ترک جهاد، ناخوشایند داشتن آن و ضعف نفس). همچنین حقی (۱۳۹۷ ه.ش) در پژوهش خود با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی موانع پایداری حکومت علوی با تأکید بر نهج‌البلاغه، موانع مختلف اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی و سیاسی مؤثر در عدم تحقق اهداف متعالی امام علی علیه السلام را بررسی نموده است.

در پژوهش‌های پیشین، اگرچه به برخی مسائل فرهنگی زمان امام علی علیه السلام نیز اشاره شده است بررسی اهداف فرهنگی، مورد نظر محققان نبوده است. از این رو، بسیاری از مطالب مورد بررسی در آنها مسائل سیاسی، اجتماعی و حکومتی است که این موضوع وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین است. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی

و تحلیل موانع تحقق اهداف فرهنگی حضرت علی علیه السلام در دوره حکومت ایشان به صورت منسجم و نظام مند و با نگاه جامع به همه عوامل تأثیرگذار است.

### ۳. مفهوم‌شناسی

#### ۱-۳. فرهنگ

فرهنگ از واژه‌هایی است که همواره مورد توجه اندیشمندان بوده و در بحث مفهوم‌شناسی آن، هرکس متناسب با موضوعات مورد نظر خود تعریفی از آن ارائه می‌کند. در لغت‌نامه‌های فارسی، معانی متعددی برای فرهنگ آمده است. در یکی از تعریف‌ها آمده است: «ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت، مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم، کتاب‌نامه شامل لغات یک یا چند زبان» (معین، ۱۳۸۶ ه.ش؛ آشوری، ۱۳۸۱ ه.ش؛ دهخدا، ۱۳۷۷ ه.ش). چه در جهان غرب و چه در جهان اسلام تعاریف اصطلاحی مختلفی از واژه فرهنگ ارائه شده است (رک، کاشفی، ۱۳۸۴ ه.ش؛ ولایتی، ۱۳۹۲ ه.ش؛ عرفان، ۱۳۹۳ ه.ش؛ رفیع پور، ۱۳۷۷ ه.ش؛ توحیدی، ۱۳۹۶ ه.ش). برپایه این تعاریف می‌توان گفت که فرهنگ، فصل ممیز و وجه تمایز انسان از دیگر حیوانات است و به بینش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای انسان مربوط می‌شود که از سویی نوع انسان را از دیگر حیوانات متمایز می‌کند و از سوی دیگر، موجب تمایز جوامع انسانی از یکدیگر می‌شود؛ زیرا فرهنگ هر جامعه با دیگر جوامع متفاوت است و تفاوت فرهنگ‌ها موجب تمایز افراد هر جامعه از جامعه دیگر می‌شود.

فرهنگ در تعالی و انحطاط جوامع نقش محوری دارد؛ زیرا مظاهر آن در رفتارهای افراد هر جامعه تبلور می‌یابد. از این رو، برخی بزرگان اهمیت فرهنگ و نقش آن را در پایه‌ریزی سعادت یا شقاوت جامعه بسیار مهم (موسوی خمینی، ۱۳۸۶ ه.ش، ۳/۳۰۷) و مهم‌تر از اقتصاد می‌دانند (لیروی، ۱۳۹۳ ه.ش). بر این اساس، فرهنگ معنای نسبی دارد و به فراخور جهان بینی هر ملتی، فرهنگ آن ملت نیز شاکله و رنگ و بوی متناسب با آن پیدا می‌کند. هرچه جهان بینی و اعتقادات جامعه با حقیقت و واقعیت بیشتر مطابقت داشته باشد فرهنگ آن جامعه نیز به حقیقت و واقعیت نزدیک‌تر شده و ارزشمندتر و متعالی‌تر می‌شود و نقش تأثیرگذاری در سعادت افراد جامعه خواهد داشت. از آنجاکه جهان بینی اسلامی منشأ

و حیانی دارد و برنامه آن از سوی خاتم و اشرف پیامبران الهی ارائه شده است، به طور قطع خاستگاه متعالی‌ترین و مترقی‌ترین فرهنگ‌ها بوده و تناسب و تطبیق کامل با هدف از خلقت و سیر در مسیر سعادت ابدی انسان خواهد داشت. اهداف فرهنگی امام علی علیه السلام سوق دادن افراد جامعه به سمت ترقی، کمال، سعادت و رساندن انسان‌ها به قله انسانیت بود که به دلیل وجود موانع تحقق نیافت (ابراهیمی کوشالی، ۱۳۸۸ ه.ش).

#### ۴. موانع فعالیت‌های فرهنگی امام علی علیه السلام

##### ۴-۱. نهادینه شدن انحراف‌ها و بدعت‌ها

یکی از مهمترین چالش‌های حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام به‌ویژه در زمینه مسائل فرهنگی، نهادینه شدن بدعت‌ها و انحراف‌هایی بود که از دوران قبل به یادگار مانده و در جان مردم رسوخ کرده بود. این بدعت‌ها تا اندازه‌ای در جامعه ریشه دوانده بود که مانند حکم الهی و وحی منزل تلقی می‌شد. از این رو، هرگونه مخالفتی با آنها چنان واکنش‌هایی را برمی‌انگیخت که گویی با حکم خدا مخالفت شده است. امام علی علیه السلام در یکی از خطبه‌هایش به این حقیقت چنین اشاره می‌کند: «خلفای قبل از من کارهایی انجام دادند که در آن با رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت کردند و در آن بنای مخالفت با رسول خدا صلی الله علیه و آله را از روی عمد داشتند و اگر مردم را بر ترک آنها وادار نمایم لشکر من از گرد من پراکنده شده و تنها می‌مانم» (کلینی، ۱۴۱۱ ه.ق، ۵۵/۸-۵۶). انحراف‌های پدید آمده، بسیار چشمگیر بود و برخی از آنها در سخنان آن حضرت بیان شده است. جابه‌جایی مقام ابراهیم، نکاح ناحق زنان شوهردار، برتری عرب بر غیرعرب، مسح از روی کفش، تعطیل حد الهی بر شرابخوار، تحریم دو متعه حج و زنان، جاری کردن طلاق بر خلاف سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله، تحریف در وضو، تحریف غسل و نماز و خواندن نماز مستحبی به جماعت، بخشی از بدعت‌ها و انحراف‌هایی است که توسط خلفای پیشین در جامعه نهادینه شده بود (ر.ک. کلینی، ۱۴۱۱ ه.ق، ۵۶/۸). امام علی علیه السلام وقتی لشکریان خود را از بدعت برگزاری نماز مستحبی به جماعت منع کرد، عده‌ای از لشکریان فریادشان بلند شد: «وای سنت عمر تغییر کرد! علی علیه السلام ما را از خواندن نماز مستحبی در ماه رمضان بازمی‌دارد» (کلینی، ۱۴۱۱ ه.ق، ۵۵/۸). با این اقدام حضرت علی علیه السلام، مخالفت‌ها چنان شدت گرفت که نزدیک بود به روی ایشان شمشیر بکشند. از این رو، امام علی علیه السلام دست از چنین اقدامی برداشت (ر.ک. کلینی، ۱۴۱۱ ه.ق، ۵۵/۸).



## ۴-۲. دنیاگرایی و رفاه‌طلبی

در دوران حکومت امام علی علیه السلام انحراف‌های پایه‌ریزی شده در دولت‌های قبل، جامعه را به‌گونه‌ای مسموم کرده بود که ارزش‌های انسانی از جامعه رخت بر بسته و عموم جامعه حتی خواص به دنیاگرایی، رفاه‌طلبی و خوش‌گذرانی روی آورده بودند. اختلاف طبقاتی موج می‌زد و سبک زندگی زاهدانه یادگار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به زندگی اشرافی تبدیل شده بود. خلیفه سوم به‌بهای تزیین بیت‌المال مسلمانان به رفاه‌گرایی شدید روی آورد بسیاری از کارگزاران و صاحب‌منصبان نیز چنین روحیه‌ای یافتند و به‌تدریج این روحیه به فرهنگ تبدیل شد؛ فرهنگی که درحقیقت باید با فرهنگ جامعه جاهلی مقایسه می‌شد به طوری که دارایی عثمان هنگام مرگ، ۳۰۵۰۰۰۰۰ نقره و ۱۵۰ هزار مثقال طلا بود. (ابن سعد، ۱۴۱۴هـ.ق، ۵۳/۳) و ۳۱ هزار برده داشت. زبیر رضی الله عنه (۳۶هـ.ق) یازده خانه در مدینه، دو خانه در بصره، یک خانه در کوفه و یکی در مصر داشت. نقدینه او هنگام مرگ ۵۲ میلیون سکه نقره بود (بخاری، ۱۴۱۴هـ.ق، ۲۱/۵). وی همچنین هزار اسب، هزار بنده، و هزار کنیز داشت (مسعودی، ۱۴۲۵هـ.ق، ۱/۴۳۴). املاک طلحه رضی الله عنه (۳۶هـ.ق) ۳۰ میلیون سکه نقره ارزش داشت. هنگام مرگ، نقدینه او ۲۰۰ هزار سکه طلا و بیش از ۲ میلیون سکه نقره بود و ۳۰۰ هزار بار شتر طلا از او به جای ماند (ابن سعد، ۱۴۱۴هـ.ق، ۱۵۸/۳). مسعودی، ۱۴۲۵هـ.ق، ۱/۴۳۴). ثروت ابن عوف رضی الله عنه (۳۲هـ.ق) در هنگام مرگ، یک صد اسب، هزار شتر، ۱۰ هزار گوسفند و ۲۵۶۰۰۰۰ سکه نقره بود. سهم الارثی که به هریک از چهار زن ابن عوف رسید، ۸۰ هزار سکه طلا بود؛ یعنی نقدینه وی، ۳۲۰۰۰۰۰ سکه طلا بود (یعقوبی، بی‌تا، ۱۴۶/۲).

به دنبال این مصیبت بزرگ یعنی، توجه به دنیا و دنیاگرایی، ارزش‌های اسلامی در جامعه آرام‌آرام جای خود را به رذائل اخلاقی داد و صاحبان فضیلت، منزوی و دنیاطلبان و هوس‌بازان مجال عیش پیدا کردند. از این رو، امام علیه السلام در روزهای نخستین خلافت خود با ایراد خطبه، جامعه عصر خود را به دروان جاهلیت تشبیه کرد و یادآور شد که این جامعه باید غریب شود و هرکس باید به جایگاه اصلی خودش برگردد و اگر مالی از کسی برده است، برگرداند، اگرچه مهر زنان کرده و یا با آن کنیزکانی خریده باشد. (رک. سیدرضی، ۱۳۸۷، خطبه ۱۵) امیرالمؤمنین علیه السلام در روز دوم حکومت، برنامه اصلی خود را ترک تبعیض اعلام کرد و در تقسیم بیت‌المال میان همگان از جمله عرب و عجم، انصار و مهاجر، سرخ و سیاه و...





به تساوی رفتار کرد (شوشتری، ۱۳۷۶ ه.ش، ۴۹۳/۶). موضع سرسخت امام علی علیه السلام در حکومت و کوشش برای اجرای کامل عدالت در همه ابعاد، سبب ناخشنودی و مخالفت بسیاری از مسئولان حکومت‌های پیشین و برخی از یاران آن حضرت شد. کنار نهادن روش شیخین در تقسیم بیت‌المال که مردم سال‌ها به آن خو گرفته بودند، اساس قرار دادن مساوات در حقوق و رعایت استحقاق‌ها، برتری ندادن اشراف بر دیگران و ترک تسامح در برابر سران قبایل آن‌طور که رسم پادشاهان و سیاست‌مداران بود، کار آسانی نبود. طلحه و زبیر، طرفداران جدی تبعیض نژادی و مطامع دنیوی که گفته بودند به شرط شریک شدن در فرمانروایی با امام علیه السلام بیعت می‌کنند (خویی، ۱۴۰۵ ه.ق، ۶۱/۱۳؛ شوشتری، ۱۳۷۶ ه.ش، ۵۲۴/۹۰) وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر به سازش و انعطاف با آنها نشد، در اولین اقدام عملی نقض عهد کردند و به بهانه عمره رهسپار مکه شدند تا با پیوستن به عایشه (۵۸ ه.ق) چاره‌ای بیندیشند و در نتیجه جنگ جمل را به راه انداختند (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۷۱ ه.ش). در چنین موقعیتی که بیشتر سران در خطر و به دنبال بهانه بودند، طبیعی است که عجیب‌ترین حوادث تاریخ اتفاق افتد و آنها که آشکارا به کشتن عثمان فتوا داده (شوشتری، ۱۳۷۶ ه.ش، ۳۱/۶) و مردم را علیه او برانگیخته بودند و با یهودی و کافر خواندن عثمان از دفن او در گورستان مسلمانان جلوگیری کردند، پرچم خون‌خواهی برافرازند (شوشتری، ۱۳۷۶ ه.ش، ۳۲۳/۹۰).

شعله آتش جنگ صفین توسط قاسطین نیز به همین دلیل برافروخته شد. معاویه (۴۱-۶۰ ه.ق) که از به‌زیر سلطه درآوردن تمام قلمرو حکومت اسلامی ناامید شده بود، فرمان داد به امام علی علیه السلام بنویسند که شام و مصر را برای او بگذارد تا وی را به عنوان خلیفه به رسمیت بشناسد. (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۹، ۵/۸۵۹؛ ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ ه.ق، ۳۹۲/۲) رفتار معاویه با ثروتمندان باعث شد گروهی از مردم به دنیا‌گرایی یابند و به او بپیوندند. امام علی علیه السلام که از سیاست‌بازی معاویه و اغراض نهفته‌اش آگاه بود و در سخنانی اهداف وی را افشا کرده بود سبب حقیقی جنگ با شامیان را دشمنی آنها با اسلام و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانست (ر.ک.، فیض‌الاسلام، ۱۳۷۹، ۵/۸۵۹). افراد بسیاری با تأثیر از این سیاست معاویه از مساوات و عدل علوی گریخته و به دنیای اموی روی آوردند درحالی‌که بسیاری از آنها دلشان با امام علی علیه السلام و اعتقادشان به عمل وی بود، اما چه سود که سودای عیش و نوش و روحیه رفاه‌طلبی در وجودشان موج می‌زد و دست و چشمشان به دنبال بذل و بخشش معاویه بود.



معاویه از گرایش خواص به مقام و رفاه دنیوی بیشترین استفاده را برد تاجایی که از جاه طلبی طلحه و زبیر سوءاستفاده کرد و برای به دست گرفتن عراق، آنها را با نوشتن نامه و با وعده بیعت مردم شام، تحریک کرد. (بحرانی، ۱۳۷۵ ه.ش، ۴۰۱/۲) معاویه ولایت مصر را برای پاداش همکاری عمروعاص (۴۳ ه.ق) برای غلبه بر امام علی علیه السلام در نظر گرفت؛ زیرا خود را محتاج تزویرهای او می دید (بحرانی، ۱۳۷۵ ه.ش، ۴۰۱/۲). وعده و وعیدهای فراوان معاویه به سران یاران امام علی علیه السلام و بذل و بخشش های بی اندازه او به آنها از دیگر این موارد است. او همه را متعاقد کرده بود که هرکس در راستای اهداف او مشارکت فعال یا حتی منفعل داشته باشد از مال و مقام بهره مند خواهد شد. علت اصلی رویگردانی یاران امام علی علیه السلام از همراهی ایشان در جنگ با معاویه، آسایش طلبی و رفاه خواهی آنها بود (بحرانی، ۱۳۷۵ ه.ش، ۴۰۱/۲). بدین ترتیب حب دنیا و رفاه زدگی مانند سرطان، جامعه اسلامی را از درون تباه کرد و موجب شد که فتنه ها یکی پس از دیگری سر باز کند. در این اوضاع آشفته و غبارآلود، مجالی برای فعالیت های فرهنگی امام علی علیه السلام باقی نماند.

#### ۴-۳. تضعیف جایگاه خلافت و مقام حاکمیت

تا زمان حکومت امام علی علیه السلام، از میان سه خلیفه ای که امور را به دست داشتند دو تن به قتل رسیده بودند (مسعودی، ۱۴۲۵ ه.ق، ۲/۳۲۰؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱ ه.ق، ۲/۴۲۶). البته قتل عمر بن خطاب (۱۳-۲۳ ه.ق) در واپسین روزهای سال ۲۳ ه.ق را نباید به نارضایتی گسترده از حکومت عمر نسبت داد. قتل خلیفه سوم که مسبوق به شورش گسترده بود، صورت دیگری داشت. این تفاوت را از تأثیر متفاوت قتل عثمان در مقایسه با قتل عمر می توان دریافت. انگیزه و هدف دو خلیفه کشی متوالی هرچه بود نتیجه آن تضعیف نهاد خلافت بود. این باور که متصدی امر خلافت را می توان زیر فشار قرار داد و حتی به قتل رساند، شأن و منزلت این مقام را در چشم دوست و دشمن کم کرد. این وضعیت نیز بر سختی کار امام علی علیه السلام افزود؛ زیرا متصدی منصبی شده بود که جایگاه و شأن ویژه خود را در گذر زمان تا حد زیادی از دست داده و فاقد قدرت و منزلت اولیه بود. جایگاه خلافت پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به واسطه رفتار و جهت گیری های خلفا روبه افول و ضعف نهاده بود و در دوران امیرالمؤمنین علیه السلام به ضعیف ترین مرحله خود رسیده بود. این تضعیف جایگاه به طور طبیعی در نظر مردم به





شخص حاکم و خلیفه اسلامی نیز سرایت کرد. ضعف جایگاه خلافت و مقام حاکم اسلامی که امام علی علیه السلام وارث آن شده بود از عوامل مهم عدم پیشرفت فعالیت‌های اصلاحی و بدیع ایشان در جبهه انقلاب فرهنگی بود.

#### ۴-۴. نگاه به امامت در قالب منصب انتخابی نه منصب الهی

در جامعه دینی، عنصر فرهنگ نقش مستقیمی در هدایت باطنی و ایمانی افراد دارد و فعالیت‌های فرهنگی در رشد تربیتی و دینی افراد نقش کلیدی را ایفا می‌کند. بنابراین، هرچه رهبر جامعه جایگاه والاتری داشته باشد فعالیت‌های فرهنگی آن جامعه پیش برنده‌تر و قوی‌تر خواهد بود. از نظر اسلام، شناخت افراد جامعه نسبت به مقام والای امام معصوم به قدری مهم و حیاتی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرگ بدون شناخت امام را مرگ جاهلی تعبیر کرده است. (ر.ک.، صدوق، ۱۳۹۵ ه.ش، ۴۰۹/۲؛ کلینی، ۱۳۶۲ ه.ش، ۳۷۶/۱) در سایه این معرفت است که زمینه اطاعت و پیروی از دستورات تربیتی وی در جان انسان حاصل می‌شود و همان‌گونه که پیروی از قوانین حکومتی چنین رهبری ضامن نظم اجتماعی و رفاه دنیوی انسان است تبعیت از دستورات اخلاقی و فرهنگی او نیز در تمام ابعاد فردی و اجتماعی تأمین‌کننده سعادت اخروی و حیات ابدی خواهد بود.

در حکومت نوپای امام علی علیه السلام عامل اول یعنی، برخورداری والی و حاکم جامعه از قوت دینی در بالاترین درجه وجود داشت؛ زیرا حاکم اسلامی شخصیتی ممتاز از نظر توحید و معنویت و وارث تمام علم و معنویت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دست پرورده ایشان بود. (سیدرضی، ۱۳۷۸، خطبه ۱۹۲) وی با داشتن مقام عصمت و جانشینی الهی از سوی حضرت حق (ر.ک.، احزاب: ۳۳) با قبول خلافت و به دست گرفتن سکان کشتی طوفان زده اجتماع اسلامی می‌توانست با هدایت‌های الهی و فرهنگی خود، بشر را به ساحل امن و سعادت برساند، اما سست فکری و عقب ماندگی فرهنگ دینی جامعه سقیفه که منشأ تمام انحرافات امت اسلامی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، موجب شد که مسلمانان به پیروی از خلیفه دوم، انتخاب ولی الهی و تعیین ویژگی‌های امام را تغییر داده و مقام امامت اسلامی را از اصول دین حذف و در قالب مسئله‌ای فرعی-فقهی تنزل دهند و راه را برای اهل فساد و فجوری مانند معاویه، یزید و زمام‌داران سقیفه بازکنند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ ه.ق، ۴۰۶/۶۵).

از آنجا که دوران حکومت امام علی علیه السلام ۲۵ سال طول کشید و این مدت برای جایگزین شدن نگاه حکومتی به رهبر جامعه اسلامی به جای اندیشه و نگاه ولایتی و امامتی کفایت می‌کرد، سبب شد که نگاه مردم از امام معصومی که به حکم آیه ۵۵ سوره مائده و دستور صریح رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم (ر.ک.، بلاذری، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۱۰۸/۲) اطاعت امرش بر مردم واجب شده بود به حاکم و خلیفه‌ای که می‌تواند خطا کند (ر.ک.، ابن قتیبه دینوری، ۱۴۰۶ هـ.ق؛ خوارزمی، بی‌تا؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۱۱۰۲/۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۸/۱؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۷۹/۱۲؛ ماوردی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۱۱۵/۱۲؛ ماوردی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۲۱۳/۱۳؛ طبری، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۳۹۴/۱؛ جوبینی، بی‌تا، ۳۲۷/۱) تغییر یابد. عدم شناخت امیرالمؤمنین علیه السلام در جایگاه امام و دارای مقام ولایت، عصمت و منتصب از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (صدوق، ۱۴۰۳ هـ.ق) و تنزل ایشان از جایگاه ولایت به جایگاه خلافت و حاکمیت، سبب شد تا سیمرغ هدایت و سعادت جامعه یک بال پرواز خود را از دست دهد و اهداف والای فرهنگی امام معصوم و ولی الهی بی نتیجه بماند.

#### ۴-۵. فقدان کارگزاران شایسته و کافی

از شرایط اساسی و کلیدی موفقیت برنامه‌های یک دولت، داشتن کارگزاران لایق و همسو با سیاست‌های آن دولت است. در حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام هرچند افق دید و میزان آشنایی حاکم الهی در بالاترین سطح قرار داشت، اما شمار افراد لایق و وفادار در دولت ایشان بسیار اندک بود آن‌گونه که آن حضرت علیه السلام چنین یارانی را منحصر در اهل بیت علیهم السلام خود می‌دید که نمی‌توانست زندگی آنها را در معرض خطر قرار دهد. (ر.ک.، سیدرضی، ۱۳۷۸، خطبه ۲۱۷) امام علی علیه السلام حکومت را ابزاری برای نهادینه کردن فرهنگ دین و فطرت و زمینه‌ساز نیل انسان به هدف والای آفرینش خود می‌دانست، اما عملکرد کارگزاران نزدیک او گونه دیگری بود. حتی وقتی امام علیه السلام به آنها اعتماد کرد و مقام و مسئولیت‌هایی به آنها داد به جای ابراز وفاداری، به ایشان و آرمان‌هایش خیانت کردند. کارگزاران امام علی علیه السلام به جز شمار اندکی، با اندیشه، رفتار و فعالیت‌های فرهنگی آن حضرت که در تمام شئون حکومتی ایشان جلوه داشت همراهی نشان ندادند و نه تنها باری از او برداشتند، بلکه خود به مانعی بر سر راه ایشان تبدیل شدند. ابوموسی اشعری (۴۴ هـ.ق) که امام علیه السلام او را به فرمانداری کوفه ابقا کرده بود مردم را با اصرار و تأکید از پیوستن به ایشان منع می‌کرد (بلاذری، ۱۴۲۱ هـ.ق،





۲/۲۳۰). همین فرد بعدها وقتی زیر فشار کوفیان در جایگاه نماینده امام، در حکمیت حضور یافت به جای حمایت از ایشان، حکم عزل وی را از خلافت صادر کرد (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۷۱ ه.ش). جریر بن عبدالله بجلی (۵۱، ۵۴ یا ۵۶ ه.ق) سفیر امام نزد معاویه بود. او مدتی تسلیم دفع الوقت معاویه شد و بعدها تمایل خود را به معاویه نشان داد (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۷۱ ه.ش). مصقله بن هبیره (۹۸ ه.ق) اسرایی را که از او درخواست آزادی کرده بودند به پانصد هزار درهم بر ذمه خرید و وقتی امام علیه السلام از او خواست که آن را بپردازد و نتوانست سیصد هزار درهم آن را بپردازد یک شبه کوفه را ترک کرد و به معاویه پیوست (ر.ک.، سیدرضی، ۱۳۸۷، نامه ۴۰ و ۴۳؛ سیدرضی، ۱۳۸۷، خطبه ۴۴). منذر بن جارود (م ۶۲ ه.ق) که عامل استخر بود، دست در اموال عمومی گشود به گونه‌ای که امام مجبور شد او را عزل و زندانی کند (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳ ه.ش). زیاد بن ابیه (۵۳ ه.ق) که عامل فارس بود به معاویه پیوست و بعدها معاویه او را به پدرش ملحق کرد و برادر خود خواند (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳ ه.ش). نعمان بن عجلان اموال بحرین را به یغما برد و به معاویه پیوست (یعقوبی، بی تا، ۱۱۲/۲). یزید بن حجیه بن عامر تمیمی که عامل ری بود از مالیات آن شهر سی هزار درهم کم آورد و وقتی امام علیه السلام او را مؤاخذه کرد به معاویه پیوست (ابن اثیر، ۱۳۷۱ ه.ش، ۵۶/۱۰). کار امام علی علیه السلام و فرمانداریانش به جایی رسید که دیگر قادر به اعتماد کردن به هیچ کس نبود. یک بار در این باره مردم کوفه را مخاطب قرار داد و فرمود: «به خدا سوگند! فلانی را فرستادم، خیانت و ورزید و غدر کرد و اموال را برای خود برداشت. فلانی را فرستادم، خیانت و ورزید و غدر کرد. فلانی را فرستادم، خیانت و ورزید و غدر کرد و اموال را برداشت و نزد معاویه برد. به خدا سوگند! اگر به کسی از شما اعتماد کنم و کاسه‌ای را به دستش بدهم، بیم آن دارم که بند آن را ببرد» (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳ ه.ش، ۲/۲۳۶). یاران وفاداری که از نظر فکری، تربیتی و فرهنگی با امام علیه السلام همسو و هم فکر بودند آن قدر اندک بودند که شاید به عدد انگشتان دست هم نمی‌رسیدند و بیشتر آنها نیز در جریان جنگ‌ها و حوادث از دست رفتند. آن حضرت در فراق این یاران راستین، اندوه شدید خود را اظهار می‌داشت و نام برخی از آنها مانند عمار (۳۷ ه.ق)، ابن تیهان (۳۷ ه.ق) و ذوالشهادتین (۳۷ ه.ق) را بر زبان جاری می‌کرد و به شدت در فراق آنها می‌گریست (ر.ک.، سیدرضی، ۱۳۸۷، خطبه ۱۸۲). در چنین شرایطی، موفقیت حاکم الهی جامعه در پیشبرد فعالیت‌های فرهنگی خود بسیار مشکل، بلکه بعید به نظر می‌رسد.

#### ۴-۶. سیاست‌های تخریبی معاویه با بهره‌گیری از جهل مردم و ایجاد ناامنی

یکی از مهمترین موانع فعالیت‌های فرهنگی امام علی علیه السلام وجود دشمنان فراوان ایشان بود. آن حضرت در هر زمینه‌ای که برای رهبری مردم فعالیت را آغاز می‌کرد، دشمنان خاصی پیدا می‌شدند که کارشکنی می‌کردند که در میان دشمنان گوناگون حضرت، دشمنی معاویه گونه دیگری بود. معاویه هرچند به ظاهر برای دستیابی به حکومت و امارت با حضرت علی علیه السلام در حال مقابله بود و برای نیل به این مقصد از هیچ روش ناجوانمردانه‌ای فروگزاری نمی‌کرد، اما هدفی جز نابودی اسلام نداشت که گاه به صراحت پرده از نیت پلیدش برمی‌داشت. وی به مغیره (۵۰هـ.ق) گفته بود: «من می‌خواهم این نام (نام رسول خدا صلی الله علیه و آله) در اذان نباشد» (مسعودی، ۱۴۲۵هـ.ق، ۳/۴۵۴). یکی از اهداف والای فرهنگی امیرالمؤمنین علیه السلام پافشاری بر سیاست مبتنی بر تقوا بود چنان‌که وقتی نمونه‌هایی از شیطنت دشمن به آن حضرت عرض شد با دور دانستن روش سیاسی خود از چنین اموری فرمود: «اگر لزوم رعایت تقوا نبود هرآینه من زیرک‌ترین مردم بودم» (سیدرضی، ۱۳۸۷، نامه ۲۰۰). معاویه در این شیطنت ناجوانمردانه تا آنجا پیش رفت که با تبلیغات سوء خود تلاش کرد در نظر مردمانی که از هم‌جواری با امام علیه السلام و مشاهده سیره و روش ملکوتی و اخلاق فاضله انسانی ایشان محروم بودند چهره ایشان را مخدوش جلوه دهد و با نسبت دادن رفتار غیراسلامی و غیرانسانی مثل قتل، دروغ و فریبکاری به حضرت علی علیه السلام (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۰۶هـ.ق) به هدف شوم خود دست یابد. همین تبلیغات سوء موجب شد تا جامعه به امیرالمؤمنین علیه السلام به چشم رهبر معنوی و الهی نگاه نکند و از پیروی ایشان در آموزه‌های فرهنگی و تربیتی استنکاف کند. معاویه تا سرحد امکان از رویارویی نظامی با امام علی علیه السلام دوری می‌کرد و در مواردی که ناگزیر از برخورد نظامی می‌شد تا سرحد شکست پیش می‌رفت (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۷۱هـ.ش) و موفقیت نهایی او در تصدی خلافت مرهون اصول و شیوه‌های تبلیغاتی مسموم و شیطنت او بود. سیاست‌های تبلیغی معاویه در مقابله با امام علی علیه السلام در چند محور خلاصه می‌شود:

تلاش در بهره‌برداری از جهل مردم: یکی از محورهای اصلی حرکت تشدید تبلیغاتی معاویه بهره‌برداری از جهل مردمی بود که به قول خود او قادر به تشخیص شتر نراز ماده نبودند (مسعودی، ۱۴۲۵هـ.ق، ۲/۳۶) و چنان کورکورانه از معاویه تبعیت می‌کردند که روز چهارشنبه





یکصد هزار نفر پشت سر او نماز جمعه خواندند (مسعودی، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۲/۳۶). مناطق شام به طور کامل در حصر فرهنگی معاویه به سر می بردند به گونه ای که هرگونه رفت و آمد محدثان دیگر بلاد اسلامی در شام ممنوع بود و از خروج شامیان نیز ممانعت می شد و در نتیجه نقل و کتابت احادیث نبوی در این سرزمین جای خود را به ترویج داستان سرایی و اسرئیلیات داده بود (علامه امینی، ۱۴۲۰، ۹/۲۲). این حصر فرهنگی موجب شد که معاویه هرچه را صلاح حکومتش می داند در لوای اسلام به مردم تازه مسلمان شام القا کند. نمونه تلخ آن در نقل مسعودی چنین آمده است: «از یکی از خردمندان شام پرسیدند: این ابوتراب علی رضی الله عنه کیست که امام او را بر منبر لعن می کند؟ گفت: گمان می کنم یکی از دزدان ایام فتنه بوده است» (مسعودی، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۲/۳۶)؛ متهم کردن امام علی رضی الله عنه به طرح ریزی قتل خلیفه (ر.ک.، سیدرضی، ۱۳۸۷، نامه ۶۴)؛ معاویه با برافراشتن پیراهن خونین عثمان و انگشتان قطع شده نائله (۵۰ هـ.ق) زن عثمان و گریه و زاری بر بالای منبر توانست برای خون خواهی خلیفه مسلمین از مردم شام بیعت بگیرد و آنها نیز سخت گریستند و قسم یاد کردند که تا قاتلان عثمان را نکشند هرگز بر زمین ننشینند (مسعودی، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۱۰/۴۰)؛

- تشنج آفرینی در قلمرو حکومت امام علی رضی الله عنه : معاویه سپاهیان مختلفی را تجهیز کرد و آنها را به شهرهای مختلف حکومت امام علی رضی الله عنه فرستاد تا با کشتار و غارت اموال مردم روحیه مردم این مناطق را تضعیف کند و درجه تلقین پذیری و ناراضایتی آنها را بالا برد. سفیان پسر عوف (۵۲ هـ.ق) را مأمور غارت کردن مرزهای عراق کرد و معتقد بود که این غارت ها چشم طرفداران امام علی رضی الله عنه را می ترساند و دوستان او را شاد می کند (ر.ک.، سیدرضی، ۱۳۸۷، خطبه ۲۷)؛

- تخریب چهره امام علی رضی الله عنه با استفاده از شایعات بی اساس مانند طرح اتهام قتل عثمان (ابن اثیر، ۱۳۷۱ هـ.ش، ۱۰/۴۰)، عمار یاسر (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۰۶ هـ.ق) و... نماز نخواندن (ابن اثیر، ۱۳۷۱ هـ.ش)، انتساب ملکی خواهی و حسادت (ر.ک.، سیدرضی، ۱۳۸۷، نامه ۲۸)، دزدی و فتنه گری (مسعودی، ۱۴۲۵ هـ.ق، ۲/۳۶). معاویه با طرح این اتهامات توانست کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یاد و ذکر او را عبادت می دانست (ابن مغزالی شافعی، ۱۴۲۴ هـ.ق) فردی خارج از دین معرفی و دستور لعن او را بر منابر صادر کند و چهره ای خشن، ضد دین، و ضد اسلام و انسانیت از امام رضی الله عنه را در برابر دیدگان عمومی قرار دهد. با این وضع، جامعه هرگز پذیرای نقشه های فرهنگی و رویکرد تربیتی آن حضرت نبود.

#### ۴- ۷. شورش و سرپیچی مناطق مهم از دستورات امام علیه السلام

با بررسی اوضاع تاریخی و جغرافیایی و نیز رویکردهای اجتماعی و طایفه‌ای در زمان حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام به خوبی می‌توان دریافت که چند شهر و منطقه مهم در قلمرو اسلامی وجود داشت که مردم و نیروهای موجود در آن نقش تعیین‌کننده‌ای در حوادث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داشتند. این مناطق عبارت بودند از: مکه، مدینه، شام، بصره، کوفه و مصر. (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳ هـ.ش) به گواهی تاریخ، این مراکز مهم و تأثیرگذار نه تنها در دست‌یابی امیرالمؤمنین علیه السلام به اهداف والای فرهنگی خود کمکی نکردند، بلکه مانع به‌ثمر رسیدن تلاش‌های فرهنگی ایشان شدند.

- مکه: امام علی علیه السلام ریشه دشمنی قریش را حسادت این قوم نسبت به برگزیده شدن پیامبر صلی الله علیه و آله از میان بنی‌هاشم می‌دانست. (ر.ک.، سیدرضی، ۱۳۸۷، خطبه ۳۳، مفید، ۱۴۱۳/۱، ۲۴۸) قریش تا حد ممکن در برابر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مقاومت کرد و سرانجام در سال ۸ هجری مرعوب قدرت مسلمانان شد و اسلام آورد (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳ هـ.ش، ۲۴۸/۱). آنها درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله را پایان سیادت بنی‌هاشم می‌دانستند. به همین دلیل اجازه نمی‌دادند رقیب دیرینه‌شان اقتدار خود را استمرار بخشد. قریش امام علی علیه السلام را به حرص در خلافت متهم کردند (ابن‌قتیبه دینوری، ۱۴۰۶ هـ.ق) و مکه کانون اولین گروه دشمنان امام علیه السلام شد و هسته اولیه سپاه جمل در آنجا شکل گرفت (ابن‌طقطقی، ۱۳۶۰ هـ.ش). دشمنی این قوم با امام علی علیه السلام در سراسر خلافت او ادامه یافت و وضعیت ناگواری برای او فراهم کرد. اوج این دشمنی در نبرد صفین جلوه‌گر شد که جنگ بزرگان قریش با امام علی علیه السلام بود. در مکه افراد سرشناس، سرمایه‌داران و سیاست‌مداران برکنار شدند و ریاست‌طلب‌های نالایق، مجرمان و ناراضیان از عدالت گرد آمدند و به تجهیز سپاه علیه امام علیه السلام پرداختند.

- مدینه: مردم مدینه در سرتاسر حکومت امام علی علیه السلام خود را از تمام حوادث کنار کشیدند و هرچند همانند قریش علیه او جنگیدند، اما حمایت‌های آنها بسیار اندک بود و در قضیه جنگ جمل به این بهانه که دچار حیرت و اشتباه شده‌اند حاضر به همراهی با امام علی علیه السلام نشدند. (ابن‌اتیر، ۱۳۷۱ هـ.ش، ۳۴۱/۹) عدم حمایت مردم پایتخت دولت اسلامی که شهر پیامبر صلی الله علیه و آله (مدینه النبی) نام گرفته بود از قدر حکومت امام علیه السلام در چشم مسلمانانی





که در گوشه و کنار دنیای اسلام چشم به رفتار مردم این شهر دوخته بودند، کم کرد.  
- شام: شامیان نه تنها دل به برنامه‌ها و اهداف فرهنگی و تربیتی امام علی علیه السلام نسپردند، بلکه سرانجام به جنگ امام علیه السلام برخاستند و بیشترین نقش را در تضعیف حکومت او و به بن بست کشاندن برنامه‌هایش ایفا کردند. (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳ ه.ش)

- بصره: مردم بصره از امام علی علیه السلام جدا شده بودند و شک و تردید و فتنه‌ها آنها را سرگردان کرده بود و به دنیاگرایی روآورده و به دشمنی با امیرمؤمنان علیه السلام برخاسته بودند. (ثقفی کوفی، ۱۳۵۳ ه.ش)

- مصر: امام علیه السلام در ابتدا قیس بن سعد (۶۰ یا ۸۵ ه.ق) را حاکم مصر قرار داد، اما توسط شایعات معاویه علیه او و نیز به دلیل مماشات قیس با شورشیان داخل مصر، حضرت محمد بن ابی بکر (۳۸ ه.ق) را به جای او منصوب کرد. او نیز با شورش مواجه شد و به شهادت رسید. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ه.ق، ۶۰/۶؛ ثقفی کوفی، ۱۳۵۳ ه.ش) پس از آن، معاویه، عمروعاص را به حکومت مصر منصوب کرد و بدین ترتیب مصر نیز از تحت فرمان امیرالمؤمنین علیه السلام خارج شد.

- کوفه: این شهر یکی از پایگاه‌های اصلی انقلابیون مخالف عثمان و از مهمترین مراکز نفوذ و نماد قدرت و هیبت اسلام آن روزگار بود که می‌توانست نقشی اساسی و کلیدی در پیشرفت اهداف امام علی علیه السلام ایفا کند، اما این شهر نیز دو چهره متفاوت از خود نشان داد. در ابتدا بسیار زود و به صورتی گسترده از امام علی علیه السلام و دولت او حمایت کرد و به همین دلیل برای پایتخت دولت نوپای ایشان برگزیده شد، ولی به همان سرعت و گستردگی نیز دست از حمایت ایشان کشید. مهمترین مانع این شهر برای اهداف امام علی علیه السلام خروج جمعیت قابل توجهی از آنها علیه آن حضرت بود که خوارج نام گرفتند و نفاقی عظیم را در این شهر و منطقه ایجاد کردند. (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۷۱ ه.ش)

## ۵. نتیجه‌گیری

امام علی علیه السلام در برهه‌ای از زمان که جاهلیت، امت اسلامی را فراگرفته بود علم هدایت را با شعار اصلاح‌گری و تحقق بخشی فرهنگ اسلامی در دست گرفت و تا آخرین لحظات عمر از این هدف کوتاه نیامد. آموزه‌ها و سیره و روش فرهنگی و مسلک حکومتی امام علیه السلام برای



همیشه در تاریخ ماندگار خواهد بود و اگر روزی مردم بیدار شوند و آنها را به کار گیرند جامعه از تباهی و سقوط نجات خواهد یافت. در جامعه آن روز، زمینه برای پیاده سازی برنامه های حضرت به دلایل زیر وجود نداشت:

- فراگیر و نهادینه شدن بدعت ها و انحراف ها در مسائل دینی و رفتارهای اجتماعی و جایگزین شدن ارزش های جاهلی به جای ارزش های دینی و پدید آمدن شکاف عمیق طبقاتی و تبعیض نژادی؛

- دنیاگرایی و قبیله گرایی و فاصله گرفتن زمامداران از سنت و روش رسول خدا ﷺ و حاکم شدن اشرافیت قریشی و انحصارگرایی دودمانی؛

- فتنه انگیزی مقام پرستان و زراندوزان و تحمیل جنگ های ویرانگر بر امیرمؤمنان ﷺ برای رسیدن به آمالشان؛

- جمود فکری، جهل و بی بصیرتی گروهی از یاران امام ﷺ که پیامدهای تأسف باری بر جامعه اسلامی تحمیل کرد؛

- عدم حمایت عموم جامعه از امام ﷺ که ریشه در جهل، دنیاطلبی و تزویرهای معاویه داشت؛

- عدالت گریزی فرماندهان و فریب خوردن آنها با تطمیع های بی حد و حصر معاویه؛

- عدم شناخت کافی مردم جامعه از امام ﷺ و جایگاه الهی ایشان.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۹۰ ه.ش)، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. بیروت: انتشارات مرکز طبع و نشر جمهوری اسلامی ایران.
۱. ابراهیمی کوشالی، حسین (۱۳۸۸ ه.ش)، *موانع تحقق اهداف حکومت علوی از منظر نهج البلاغه*. پایان نامه کارشناسی ارشد نهج البلاغه. دانشکده الهیات. دانشگاه پیام نور.
۲. ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۳۶۰ ه.ش)، *تاریخ فخری*. مترجم: گلپایگانی، محمد وحید. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۳. ابن مغازلی شافعی (۱۴۲۴ ه.ق)، *مناقب الامام علی بن ابی طالب* ﷺ. بیروت: دارالاضواء.
۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ ه.ق)، *شرح نهج البلاغه*. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
۵. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱ ه.ش)، *الکامل فی التاریخ*. مترجم: حالت، ابوالقاسم، و خلیلی، عباس. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۶. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۵ ه.ش)، *کمال الدین و تمام النعمه*. تهران: اسلامیه.
۷. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۳ ه.ق)، *معانی الاخبار*. قم: جامعه مدرسین.
۸. ابن خلدون (۱۳۶۳ ه.ش)، *تاریخ ابن خلدون*. بیروت: دارالفکر.

۹. ابن سعد، محمد (۱۴۱۴ ه.ق). *الطبقات الكبرى*. بیروت: دار الفکر.
۱۰. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ ه.ق). *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*. محقق: البجاوی، علی محمد. بیروت: دار الجیل.
۱۱. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ ه.ق). *تاریخ مدینه دمشق*. محقق: شیری، علی. بیروت: دار الفکر.
۱۲. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۴۰۶ ه.ق). *تأویل مختلف الحدیث*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۳. ابوحنیفه دینوری، احمد بن داود (۱۳۷۱ ه.ش). *اخبار الطوال*. مترجم: مهدوی دامغانی، محمود. تهران: نشر نی.
۱۴. احمدی، علی اصغر (۱۳۹۱ ه.ش). *عدالت اجتماعی در نهج البلاغه، زمینه ها، موانع و دستاوردها*. نشریه معرفت، ۱۷۱ (۲۰)، ۹۳-۱۱۰.
۱۵. امام جمعه زاده، سید جواد (۱۳۸۱ ه.ش). *آسیب شناسی جامعه و حکومت اسلامی در نهج البلاغه*. نشریه علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ویژه برنامه هیات و حقوق اسلامی، ۲۴، ۴۵-۶۰.
۱۶. امینی، عبدالحسین (بی تا). *الغدیر بی جا: بی نا*.
۱۷. آشوری، داریوش (۱۳۸۱ ه.ش). *فرهنگ علوم انسانی: انگلیسی-فارسی*. تهران: نشر مرکز.
۱۸. باهنر، محمد جواد (۱۳۷۱ ه.ش). *مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی*. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۱۹. بحرانی، علی بن میثم (۱۳۷۵ ه.ش). *شرح نهج البلاغه*. مترجم: محمدی مقدم، قربانعلی، و یحیی زاده. مشهد: انتشارات فیض کاشانی.
۲۰. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۴ ه.ق). *صحیح بخاری*. بیروت: دار ابن کثیر.
۲۱. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۲۱ ه.ق). *انساب الاشراف*. بیروت: دار الفکر.
۲۲. توحیدی، محمد علی (۱۳۹۶ ه.ش). *مراحل و شیوه های توسعه در دولت نبوی*. قم: نشر المصطفی.
۲۳. ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۵۳ ه.ش). *الغارات*. محقق: حسینی رموی، جلال الدین. تهران: انجمن آثار ملی.
۲۴. جوینی، ابراهیم بن محمد (بی تا). *فرائد السمطین*. محقق: محمودی، محمد باقر. لبنان: دار الفکر.
۲۵. حقی، زهرا (۱۳۹۷ ه.ش). *تحلیل جامعه شناختی موانع پایداری حکومت علوی با تأکید بر نهج البلاغه*. نشریه حدیث حوزه، ۱۶، ۸۱-۱۰۱.
۲۶. خوارزمی، موفق بن احمد (بی تا). *مناقب*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۷. خوبی، حبیب الله (۱۴۰۵ ه.ق). *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*. تهران: مکتبه اسلامیة.
۲۸. داداشی، مصطفی (۱۳۹۱ ه.ش). *بررسی موانع حکومت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از دیدگاه ایشان*. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه کاشان.
۲۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ ه.ش). *لغت نامه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۰. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷ ه.ش). *آنانومی جامعه: مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳۱. سیدرضی (تدوین) (۱۳۸۰ ه.ش). *نهج البلاغه*. مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: امول.
۳۲. شوشتری، محمد تقی (۱۳۷۶ ه.ش). *بهبج الصباغه فی شرح نهج البلاغه*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۳۳. طبری، محب الدین (۱۴۲۸ ه.ق). *ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی*. قم: دارالکتب الاسلامی.
۳۴. عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۳ ه.ش). *نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی*. قم: نشر معارف.
۳۵. کاشفی محمد رضا (۱۳۸۴ ه.ش). *تاریخ فرهنگ و تمدن*. قم: مرکز جهانی.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ ه.ش). *الکافی*. تهران: انتشارات اسلامیة.
۳۷. کوفی، ابن اعثم (۱۴۱۱ ه.ق). *الفتوح*. محقق: شیری، علی. بیروت: دارالاضواء.
۳۸. لبراوی، محمد صادق (۱۳۹۳ ه.ش). *اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات*. قم: مرکز پژوهش های صداوسیما.
۳۹. ماوردی، علی بن محمد (۱۴۱۹ ه.ق). *الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الامام الشافعی و هو شرح مختصر المزنی*. محقق: معوض، علی محمد. و عبدالوجود، عادل احمد. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۰. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۵ ه.ق). *مروج الذهب و معادن الجوهر*. بیروت: مکتبه العصریه.
۴۱. معین، محمد (۱۳۸۶ ه.ش). *فرهنگ معین*. تهران: زرین.
۴۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. قم: کنگره شیخ مفید.
۴۳. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۶ ه.ش). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴۴. مهرنیا، حسن (۱۳۹۴ ه.ش). *آسیب شناسی زمان حضرت علی علیه السلام و موانع تحقق حکومت دینی با تأکید بر نهج البلاغه*. نشریه فلسفه دین، ۳ (۱۲)، ۵۱۵-۵۴۴.
۴۵. ورشوچیان، مریم. و اسماعیل، احسان پور (۱۳۹۴ ه.ش). *موانع حکومت عدلتمحور علوی*. نشریه دانشنامه علوم قرآن و حدیث، ۳ (۲)، ۷۱-۹۸.



۴۶. ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۲ ه. ش). فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: دفتر نشر معارف اسلامی.  
۴۷. یعقوبی، احمد بن واضح (بی تا). تاریخ الیعقوبی. بیروت: دار صادر.



